

ENGLISH_KAMRAN

۱۰ واژه انگلیسی
ادقیقہ

I CAN & I WILL

**My presentation was
an absolute disaster!
It was terrible!**

ارائه من يك فاجعه مطلق بود!
وحشتناک بود

مطلق



Absolute

adjective

['æbsalu:t]



Alas

[a 'læs]

I looked everywhere
for my purse, but
alas, I couldn't find
it.

همه جا را دنبال کیفم گشتم، اما
افسوس که نتوانستم آن را پیدا کنم

**He is a good student
because he is
attentive to every
detail on his work.**

او دانش آموز خوبی است زیرا به
تمام جزئیات کار خود توجه دارد.

ملطفت



Attentive

adjective

[a'tentiv]

شنل



Cape

none

[keip]

**The superhero wore
a long red cape.**

این ابر قهرمان شنل قرمز بلندی به تن
داشت

I can envision my mom's
face when I give her this
present!

وقتی این هدیه را به او می دهم، می توانم
چهره مادرم را تصور کنم

تصور کردن



Envision

verb

[mn'vigan]



به طور مساوی



Evenly

adverb

[*'i:vanli*]

The food was handed out evenly among the hungry people.

غذا به طور مساوی بین مردم گرسنه
تقسیم می شد

I've invited all the
folks from our street
to a gathering at my
place.

من همه مردم خیابان خود را به يك
گردهمایی در محل خود دعوت کرده ام

مردم



Folk

none

[fouk]

ذوب شدن



Melt

verb

[melt]

**The snowman that
we made yesterday
melted in the sun.**

آدم برفی که دیروز درست کردیم زیر
آفتاب آب شد

**There was one small
patch of grass in the
sand covered desert.**

**يك تکه کوچک علف در بیابان پوشیده از
شن وجود داشت**

تکه



Patch

none

[pætʃ]



Pleasure

none

['plezər]

**The student smiled
with pleasure when
she received the
prize.**

دانش آموز وقتی جایزه را دریافت کرد با
خوشحالی لبخند زد

Kamran Koroozhdehi

English teacher



از همراهیتون

سیاسگزارم

@English_kamran